

بررسی تطبیقی شروط قصاص نفس در مذاهب امامیه و حنفیه

عبدالحمید خسروی

دانش‌آموخته فقه و حقوق حنفی دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه
فردوسی مشهد

hamid_khosravi66@yahoo.com

عبدالرحیم تاجیک

دانش‌آموخته فقه و حقوق حنفی دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه
فردوسی مشهد

چکیده

یکی از شیوه‌های رایج و سنتی مجازات قتل عمد، مقابله به مثل یا قصاص است که با رعایت شرایط و ضوابط مخصوص در جنایات علیه تمامیت جسمانی به کار گرفته می‌شود. در فقه اسلامی برای احقاق حقوق قربانی و متهم در جرم قتل عمد، شرایطی برای اجرای مجازات قصاص در نظر گرفته شده است که در کلیت این شرایط، بین فقهای مذاهب اسلامی تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که از جمله این شرایط: مکلف بودن قاتل، تساوی در آزاد و برده بودن بین قاتل و مقتول، تساوی در دین، نبود رابطه ابوت و محقون‌الدم بودن مقتول را می‌توان نام برد. اما در جزئیات این شرایط و ضوابط خاص، بین فقهای مذاهب اختلاف نسبتاً ملموسی وجود دارد که ناشی از مبانی و اصول فقهی می‌باشد. مذاهب اسلامی در خصوص حجیت و چگونگی آنها نیز اختلاف دارند. در این نوشتار، آراء فقهای حنفی و امامیه، در خصوص شرایط قصاص نفس مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: قصاص، قاتل، مجنی علیه، ولی دم، فقه حنفی، فقه امامیه.



۱۵

شماره ۲۷ - بهار ۱۳۹۱
سال هشتم



مقدمه

حفظ جان و تمامیت جسمانی انسان، از دیرباز مورد توجه بشر بوده و یکی از ضروریات نزد تمام ادیان می‌باشد. به طوری که در تعالیم ادیان یهود و مسیحیت، به حفظ جان انسان توجه کرده و عقوبات شدید، لایتنیگر و کاملاً جدی را برای متجاوزان به تمامیت جسمانی انسان در نظر گرفته‌اند.

دین اسلام که به عنوان آخرین و کامل‌ترین ادیان، از سوی خداوند برای هدایت بشر و ایجاد یک زندگی مطلوب و توأم با آرامش، امنیت و عدالت، فرستاده شده، به این مهم توجه داشته و بارها بر آن تأکید کرده است. مثلاً در آیات: ۱۷۹ و ۱۹۵ بقره، ۳۲ مائده، ۱۵۱ انعام، ۳۳ اسراء و ۴۰ شوری، به قتل عمد و سزای آن، که قصاص می‌باشد، به صراحت اشاره می‌کند. در احادیث پیامبر (ص) و امامان (ع) نیز به این موضوع توجه شده است. در ضمن بحث به بخشی از آن احادیث، به فراخور موضوع اشاره می‌شود.

در فقه اسلامی نیز براساس آیات و روایات و اجتهادهای فقها، باب مفصل و دقیقی در خصوص قصاص و شرایط اجرای آن آمده است که در این خصوص نیز مثل سایر ابواب فقهی، اختلافهای نسبتاً قابل ملاحظه‌ای بین فقها وجود دارد و ناشی از اختلاف در مبانی فقهی و اصولی در مذاهب اسلامی می‌باشد. از جمله مباحث مهم در بحث قصاص، شروط قصاص است که با توجه به تفاوت دیدگاههای مذاهب فقهی در این زمینه و همچنین به منظور اجتناب از طولانی شدن بحث، دیدگاههای مذاهب حنفی و امامیه به صورت مقارن در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شرایط قصاص در فقه امامیه و فقه حنفی

در کتب فقهی و در دسترس، بابت مستقل تحت عنوان «شرایط قصاص» مطرح و شرایط همراه با استدلال فقهی نوشته شده است. این نوشتار نیز همین روش را پی می‌گیرد؛ به این صورت که در بخش اول، شرایط مشترک در هر دو مذهب و تفصیل ادله و آراء آنها، و در بخش دیگر، شرایط و مواردی که اختصاصاً در فقه حنفی مطرح است، با خلاصه ادله آنان، بیان می‌گردد.

الف) شرایط مشترک قصاص نزد دو مذهب

۱) مکلف بودن قاتل

یعنی عاقل و بالغ باشد. بنابراین اگر دیوانه و صبی مرتکب جنایت شوند، قصاص بر آنها قابل اجرا نخواهد بود.^۱

براساس آنچه که در برخی منابع حنفی آمده است، عاقل به واسطه قتل مجنون قصاص می‌شود.^۲ اما اگر کسی بعد از انجام

قتل عمد که در حالت افاقه بوده، دیوانه شود، اگر دیوانگی دائم باشد، قصاص ساقط می‌شود، ولی اگر جنون ادواری باشد، قصاص لازم می‌آید. دلیل این حکم نزد احناف، روایتی در کتاب «الموطأ» مالک است که یحیی بن سعید نقل می‌کند: مروان بن حکم به معاویه بن ابی سفیان نامه‌ای نوشت با این مضمون که شخصی مجنون فردی را کشته است؛ معاویه در جواب نوشت: «ان اعقله و لا تقد منه فانه لیس علی مجنون قود» یا به عبارتی دیه را اخذ کند و از قصاص کردن وی منصرف شود.^۳

اگر صبی یا مجنون بر روی کسی سلاح بکشد و شخص مقابل در مقام دفاع مرتکب قتل او شود، قصاص ساقط و قاتل مکلف به پرداخت دیه است.^۴ ولی بر شخص مست که مرتکب قتل عمد شده، قصاص جاری می‌شود. مستند به روایتی در «الموطأ» مالک که نقل می‌کند: «مروان بن حکم به معاویه نامه‌ای نوشت به این مضمون که شخصی مست مرتکب قتل عمد شده است. پس معاویه در جواب گفت: او را قصاص کن».^۵

در منابع فقهی امامیه، عمد کودک و مجنون در حکم خطای محض است و عاقله آنان مسئول پرداخت دیه می‌باشند. اگر کسی بعد از انجام قتل عمد، دیوانه شود، برخلاف آنچه در فقه حنفی مطرح است، در فقه امامیه قصاص در این حالت ساقط نمی‌شود.^۶

در مورد شارب خمر که در اثر مستی مسلوب الاراده و مرتکب قتل عمد شده باشد، براساس آنچه در تحریر الوسیله آمده، قصاص نکردن قاتل راجح است.^۷ ولی براساس آنچه در منابع دیگر مثل جواهر الکلام ذکر شده است، قصاص را راجح می‌دانند و نظر برگزیده در قانون مجازات اسلامی، قصاص شارب خمر است، مگر در شرایط خاص که مواردی را از اعمال قصاص تحت شرایطی استثنا کرده است. این شرایط عبارتند از: «... ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد...» (ماده ۲۲۴ ق.ا.م.).

در مورد این شرط به رغم اشتراک و نزدیکی آراء دو مذهب، تنها در یک مسئله اختلاف وجود دارد و آن جنون قاتل بعد از انجام قتل است که با وجود محکم و مستدل بودن آراء طرفین، تفکیک قاتل شدن بین جنون ادواری و دائمی از یک سو موضع دقیقی است و نظر به اینکه بر شخص مجنون تکلیفی بار نیست و اهداف مجازات نیز متنوع است از جمله: متنبه شدن مجرم،

۳. الفقه الحنفی فی توبه الجدید، ج ۳، ص ۳۲۱.

۴. همان.

۵. الموطأ، ج ۲، ص ۲۵۲.

۶. اللعنة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۶۶؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۲۲.

۷. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۲۲.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۲۲؛ الفقه الحنفی فی توبه الجدید، ج ۳، ص ۳۲۱.

۲. الفناوی الهندیة، ج ۶، ص ۷.

نفع جامعه و ...، بنابراین به نظر می‌رسد اجرای حکم بر مجنون دائم، چندان حکمت و اهداف مجازات را برآورده نمی‌سازد و از سوی دیگر، نظر امامیه که قصاص را بدون تفکیک بین مجنون ادواری و مجنون دائم، قابل اجرا می‌دانند، به عدالت و انصاف (که مهم‌ترین فاکتور در اجرای مجازات است) نزدیک‌تر است؛ چرا که عادلانه نخواهد بود که با معذور شدن مجرم، حق مسلم کسی، آن هم حق حیات و جان انسان که تأکید شدید بر حفظ آن در شریعت اسلام شده است، پایمال گردد و از طرفی، قاتل در حالت افاقه و تکلیف مرتکب قتل شده است؛ از این رو جاری دانستن قصاص در این حالت، از نظر فقهای امامیه قابل توجیه به نظر می‌رسد.

۲) تساوی قاتل و مقتول در آزاد و برده بودن^۸

فقهای مذهب حنفی در حالت کلی اصل «مساوات» را براساس آیه قرآن که می‌فرماید: «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...»^۹ جاری می‌دانند و معتقدند که آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده قصاص می‌شود.^{۱۰} بنابراین آزاد در برابر آزاد و آزاده قابل قصاص است. اما در خصوص قتل برده توسط آزاد، با توجه به عمومیت آیه، بیان می‌دارند که آزاده در برابر قتل برده، مشروط بر اینکه برده مسلمان باشد، قصاص می‌شود؛ چرا که این دو در «عصمت» که نزد احناف «دین» و «دار» را شامل می‌شود، مساوی و مشترکند. پس با وجود سایر شرایط، قاتل قابل قصاص است.^{۱۱} دلیل دیگرشان حدیثی از پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «المسلمون تنكافوا دماؤهم»^{۱۲}.

ولی شخصی به دلیل قتل برده، مکاتب و مدبر خودش قصاص نمی‌شود. در عهد پیامبر (ص) در این موارد تنها کفاره و دیه جاری می‌شد.^{۱۳}

براساس دیدگاه امامیه، برای اجرای قصاص می‌بایست قاتل و مقتول از لحاظ برده و آزاد بودن مساوی باشند. بنابراین در صورت قتل برده توسط یک فرد آزاد، قاتل قابل قصاص نیست. البته تساوی در آزاد و برده بودن در جایی است که مقتول برده باشد، ولی اگر مقتول آزاد باشد، برده در برابر او قابل قصاص است. اما در قصاص برده به برده، قیمت این دو باید محاسبه شود و اگر ما به التفاوتی باشد، قبل از قصاص باید این مقدار به قاتل داده شود.^{۱۴}

مطابق رأی فقهای امامیه، مرد آزاد در برابر زن آزاده، با پرداخت نصف دیه کامل و با وجود سایر شرایط، قصاص می‌شود و عکس آن (قتل مرد توسط زن) حقی مازاد بر قصاص برای اولیای دم مقتول ایجاد نمی‌کند. دلیل این رأی روایات متعدد از معصومان (ع) است. از جمله در صحیح حلی از امام صادق (ع) آمده است: «در مورد مردی که عمدتاً زنی را بکشد و اولیای زن بخواهند از قاتل قصاص بگیرند. امام فرمود: اولیای زن باید نصف دیه مرد را به او بدهند...»^{۱۵}

۳) تساوی در دین

فقهای حنفی این شرط را به سختی و با استثنای زیادی پذیرفته‌اند، به طوری که فقهای حنفی قتل کافر ذمی توسط مسلمان را موجب قصاص می‌دانند و ادله‌ای نیز اقامه می‌کنند. از جمله از عموم آیات قرآن که می‌فرماید: «... كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى...»^{۱۶} و نیز «وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ...» و حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «قتل مسلماً بذمی»، استدلال می‌کنند که قصاص در این مورد جاری می‌شود. علاوه بر این ادله یک موضوع اصولی دیگر نیز مطرح است و آن اینکه اصل «مساوات» را در «عصمت» معتبر می‌دانند و مراد از عصمت نزد احناف، «دین» و «دار» است و بر این اساس استدلال می‌شود که کفر، که موجب اباحت دماء است، کفر محارب است نه کفر ذمی؛ چرا که مسلمان و کافر ذمی در بخشی از عصمت، که دار باشد، برابر و مساویند. پس جاری دانستن قصاص بلا اشکال است.^{۱۷} ولی برخلاف کافر ذمی، مسلمان در برابر قتل کافر مستأمن، به دلیل محقون الدم نبودن همیشگی وی، قصاص نمی‌شود و براساس «عصمت» که شامل «دار» می‌شود، کافر ذمی نیز در برابر قتل مستأمن، قصاص نمی‌شود و نیز مستأمن در برابر مستأمن استحساناً قصاص نمی‌شود.^{۱۸}

فقهای امامیه به طور قطع تساوی قاتل و مقتول در دین را از شرایط اجرای قصاص می‌دانند. اما برابری قاتل و مقتول در دین، به این معناست که مسلمان در برابر قتل کافر (اعم از حربی و ذمی) قصاص نمی‌شود^{۱۹} و دلیل این حکم را فقهای امامیه، علاوه بر روایات زیادی که در حد استفاضه و تواتر می‌باشند^{۲۰} نیز قاعده نفی سبیل مستنبت از آیه قرآن «... وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^{۲۱} می‌دانند و معتقدند

۱۵. وسائل الشیعه، ج ۱۹، باب ۲۳، ح ۳.

۱۶. بقره، ۱۷۸.

۱۷. الوجیز فی الفقه الاسلامی، ج ۲، ص ۱۶۰۶.

۱۸. الهدایة شرح بدایة المتبندی، ج ۴، ص ۱۶۰۷.

۱۹. اللعنة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۶۴؛ حقوق کفیری اسلام، ص ۶۵؛ حدود، تعزیرات و قصاص، ص ۱۵۱.

۲۰. جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۵۰.

۲۱. نساء، ۱۴۱.

۸. اللعنة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۶۳؛ حقوق کفیری اسلام، ص ۵۹؛ حدود، تعزیرات و قصاص، ص ۱۵۰.

۹. مانند، ۴۵.

۱۰. الهدایة شرح بدایة المتبندی، ج ۴، ص ۱۶۶.

۱۱. الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، ج ۲، ص ۲۴۳.

۱۲. همان.

۱۳. همان، ج ۲، ص ۲۴۳؛ الهدایة شرح بدایة المتبندی، ج ۴، ص ۱۶۸؛

الفتاوی الهندیة، ج ۶، ص ۸.

۱۴. اللعنة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۶۱ و ۲۶۲؛ الهدایة شرح بدایة المتبندی،

ج ۴، ص ۱۶۶.





تنها قتل معاهد و ذمی موجب تعزیر مسلمان می‌شود و این در حالی است که مسلمان به قتل کفار عادت نکند، ولی اگر عادت به این کار کرد، می‌توان با وجود سایر شرایط، او را قصاص کرد.^{۲۲} دلیل این حکم روایت اسماعیل بن فضل از امام صادق (ع) در مورد قتل غیر مسلمان است که امام (ع) فرمود: «قصاص نمی‌شود مگر اینکه عادت به کشتن آنان کند».^{۲۳} کافر به دلیل قتل کافر، قصاص می‌شود، اگرچه از دو کیش متفاوت باشند.^{۲۴} بنابراین بر این اساس کافر ذمی در برابر قتل کافر حربی و یا مرتد و برعکس قابل قصاص است.^{۲۵} اگر کافری کافر دیگر را بکشد و بعد مسلمان شود، قصاص نمی‌شود؛ زیرا همان‌طور که گذشت، مسلمان در برابر قتل کافر قصاص نمی‌شود و مراد از اسلام، موقع اجرای قصاص است نه موقع انجام جنایت.^{۲۶} با توجه به آراء طرفین با رعایت اصل مساوات، در مصادیق و تفسیر این اصل اختلاف وجود دارد، به طوری که امامیه، مساوات را در دار معتبر نمی‌دانند، ولی حنفیه با قائل شدن به قاعده «عصمت» آن را شامل دین و دار می‌دانند که با توجه به حقوقی که اسلام برای معاهد و ذمی در نظر گرفته و تضمینات و تأمیناتی که اسلام نسبت به اهل ذمه در برابر کسب جزیه و مالیات از آنان قرار داده است، به نظر می‌رسد یکی از این تأمینات و یا بزرگ‌ترین تأمین و تضمین، در امان بودن خونها و جانهای آنان است. پس با منطق سازگارتر این است که در مقابل قتل ذمی و معاهد، قصاص را قابل اجرا بدانیم و ملتزم به عدالت و انصاف شویم، تا اینکه اهل ذمه در مملکت اسلامی احساس ناامنی، و برای مسلمانان ایجاد مشکل نکنند. چنان که در مسئله دیه اقلیتهای دینی شناخته شده در قانون اساسی ایران، ولی فقیه به عنوان حکم حکومتی، رأی به تساوی دیه آنها با دیه مسلمانان داده‌اند.^{۲۷}

۴) فقدان رابطه ابوت

فقه حنفی، در این شرط، اختلاف شدید با امامیه دارد. پیش از هر چیز دلیل قصاص نشدن پدر را در برابر قتل فرزند، موارد متعدد می‌دانند. از جمله: روایات پیامبر (ص) که فرمود: «لا یقاد الوالد بولده»^{۲۸} و نیز فرمود: «لا یقصاد اب من ابنه»^{۲۹} و دلایل عقلی که پدر را منشأ فرزند می‌دانند و به عبارتی فرزند جزء

پدر است^{۳۰} و در جای دیگر دلیل این حکم را علاوه بر ادله فوق، وجود شبهه برمی‌شمارند. موضع اختلاف دو مذهب، سرایت دادن این حکم علاوه بر اجداد پدری به جدات و مادر در فقه حنفی است^{۳۱} که مخالف نظر جمهور فقهای امامیه است. فقهای حنفی این حکم را به موردی که فرزندی حق قصاص را از کسی به ارث ببرد و مستوجب قصاص، پدر وارث باشد نیز سرایت داده‌اند و قصاص را به دلیل حرمت پدری ساقط می‌دانند.^{۳۲}

نزد فقهای امامیه پدر و اجداد پدری، با قتل فرزند یا نوه قصاص نمی‌شوند.^{۳۳} دلیل این حکم علاوه بر اجماع^{۳۴} احادیث نیز می‌باشند. از جمله روایت حمران از یکی از امامین باقرین (ع) که ارشاد فرمود: «لا یقاد والد بولده و یقتل الولد اذا قتل والده عمدا»^{۳۵} لیکن براساس ادله موجود می‌بایست کفاره بدهد و قابل تعزیر نیز هست.

براساس معنای کلمه «والد» جد پدری بالاتر را نیز می‌توان از قصاص استثنا کرد و مطابق نظر غالب نزد فقهای امامیه، این استثنا شامل سایر اقارب از جمله برادران، فرزندان، مادر، جدات و ... نمی‌شود. چنان که در روایتی آمده است که راوی نقل می‌کند: «سألت ابا جعفر (ع) عن رجل قتل امه، قال یقتل بها صاغرا»^{۳۶}.

دلیل این اختلاف در تعمیم این استثنا به مادر و جد در فقه حنفی و عدم تعمیم این حکم به مادر و ... در فقه امامیه، شاید عدم حجیت ادله‌ای مثل قیاس و استحسان در فقه امامیه باشد که در جای خود بحث اصولی می‌طلبید. اما با توجه به اینکه قصاص نشدن پدر در حالت قتل عمد استثنای بر اصل قصاص است و در موارد استثنا نیز می‌بایست مستثنی از اصل به صراحت ذکر شود و تعمیم حکم به دیگران دلیل محکم می‌طلبید و از طرفی وجهی برای اعمال قیاس براساس قواعد اصولی وجود ندارد، براساس قاعده عام و مشترک فقهی که می‌گوید: «تدرء الحدود بالشبهات» و وجود شبهه در این زمینه، بهتر آن است که با احتیاط رفتار کرد و در چنین موارد تقریباً نادر (در جامعه اسلامی) حکم به دیه و سایر عقوبات جایگزین داد و قصاص را منتفی دانست.

۵) محقون الدم بودن مقتول

۲۰. الهدایة شرح بدایة المتبندی، ج ۴، ص ۱۶۰۸.
۳۱. الفتاوی الهندیة، ج ۷؛ الهدایة شرح بدایة المتبندی، ج ۴، ص ۱۶۰۸.
۳۲. الهدایة شرح بدایة المتبندی، ج ۴، ص ۱۶۰۸.
۳۳. اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۱۶۶.
۳۴. حقوق کیفری اسلام، ص ۷۸؛ جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۶۹؛ حدود، تعزیرات و قصاص، ص ۱۵۵.
۳۵. جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۶۹.
۳۶. همان، ج ۴۲، ص ۱۷۱.

۲۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۱۹.
۲۳. حقوق کیفری اسلام، ص ۶۶.
۲۴. حدود، تعزیرات و قصاص، ص ۱۵۰.
۲۵. اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۱۶۵؛ مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، مسائل ۷۴ تا ۷۷.
۲۶. جواهر الکلام، ج ۴۲، ص ۱۵۸.
۲۷. تبصره یک ماده ۲۹۷ ق.م.ا.
۲۸. الهدایة شرح بدایة المتبندی، ج ۴، ص ۱۶۰۸.
۲۹. الفقه الحنفی فی توبه الجدید، ج ۳، ص ۳۳۱.

بر اساس این شرط، اگر مقتول به جهتی مهدور الدم باشد، قصاص اجرا نمی‌شود.^{۳۷} برخی از جهات مهدور الدم بودن عبارتند از: ساب النبی (سب کننده به پیامبر و ائمه اطهار)، مرتد فطری، محارب و ... که بر اساس نصوص روایی، قاتل اینها قابل قصاص نیست.^{۳۸}

در برخی موارد مهدور الدم نسبی است. مثل زناکار یا لواط کار که فقط حاکم شرع حق قتل آنان را دارد و غیر از حاکم شرع و بدون اذن او، اگر کسی آنان را بکشد، به رغم اختلاف فقهای امامیه، قصاص قاتل راجح است^{۳۹} و نیز قاتل عمد نسبت به اولیای دم، که اگر کسی غیر از اولیای دم و بدون اذن آنها، قاتل را قصاص کند، مرتکب قتل مستوجب قصاص شده است. در فقه حنفی نیز تنها در یک مورد کمی اختلاف است که قبلاً نیز ذکر شد و آن اینکه باید حرمت خون، ابدی باشد. بر این اساس کشتن مسلمان و ذمی، موجب قصاص است، ولی در مورد مستأمن و کافر حربی، چون حرمت خون آنان ابدی نیست، نمی‌توان قاتل آنان را قصاص کرد.^{۴۰}

ب) شرایط اختصاصی در فقه حنفی

شروط قصاص با شرح و تفصیل در منابع فقه امامیه و حنفی، به طور عمد همین پنج شرط بود که ذکر شد. ولی علاوه بر این شروط، در برخی کتب فقهای حنفی، شرایط دیگری نیز نوشته شده و به طور پراکنده آمده است که گاهی این موارد مربوط به شرایط عامه تکلیف و یا در بحث نوع قتل (خطا، عمد و ...) مطرح است و ... که در فقه امامیه به عنوان شرایط قصاص مطرح نیستند و در اینجا این موارد به طور خلاصه بیان می‌گردند.

۱) قتل به مباشرت و آلت نیز قتاله باشد

این شرط در باب نوع قتل، بحث می‌شود که با وجود این شرط، قتل ارتكابی موجب قصاص قاتل می‌شود. بر این اساس علاوه بر نیت، آلت قتاله بودن و مباشرت به قتل (نه تسبیب در آن) نیز در مستوجب قصاص بودن شرط است. یعنی علاوه بر قصد عمد، هم آلت قتاله باشد و هم به مباشرت باشد. مثالی که در کتاب «الهدایه» ذکر شده این است: اگر کسی با قسمت آهنی بیل، کسی را بکشد، قصاص می‌شود، ولی اگر با دسته بیل، کسی را بکشد، چون عادتاً موجب جنایت نمی‌شود (دسته بیل عادتاً قتاله نیست) دیه دارد و قصاص ساقط می‌شود.^{۴۱} دلیل اینکه احناف قتاله بودن آلت را شرط برای قتل مستوجب قصاص می‌دانند، این است که معتقدند، عمد و قصد، اموری

باطنی هستند و تنها می‌توان از آلت مورد استفاده در قتل، عمد و غیر عمد بودن را تشخیص داد. بنابراین چون عمد برای ما مسلم و قطعی نیست، بر اساس قاعده «درء» قصاص را جاری نمی‌دانند و حکم به دیه می‌دهند.

۲) ولی دم معلوم باشد

در ولی دم نیز باید شرایطی برای احقاق حق قصاص موجود باشد. یکی از این شرایط و از مهم‌ترین آنها معلوم بودن ولی دم است. پس اگر ولی دم مشخص و معلوم نباشد، قصاص منتفی می‌گردد.^{۴۲} در حالی که در فقه امامیه با توجه به قاعده کلی «الحاکم ولی من لا ولی له»، در چنین مواردی اختیار تام به حاکم اسلامی داده می‌شود، تا بر اساس مصلحت اولیای دم و نیز به هدر نرفتن خون انسانی، احقاق حق کند و اگر مصلحت را در اجرای قصاص دید، آن را بر قاتل اجرا نماید.

۳) مکره نبودن قاتل بر قتل

برخی دیگر از فقها علاوه بر قصد و عمد، اختیار را نیز از شرایط قصاص می‌دانند و معتقدند اگر کسی از روی اکراه مرتکب قتل شود، قصاص نمی‌شود. این موضع اخیر مختص فقه حنفی است و جمهور مذاهب با آن اختلاف دارند.^{۴۳} در فقه امامیه، اکراه به قتل مجوز قتل نیست؛ چرا که پسندیده نیست به دلیل حفظ جان خود، به جان دیگری تجاوز کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان شد، فقهای دو مذهب امامیه و حنفی شرایطی را برای اجرای مجازات قصاص در نظر گرفته‌اند که بیشتر این شرایط در کلیت بحث، مشترکند. این شرایط عبارتند از: مکلف بودن قاتل، تساوی در آزاد و برده بودن، تساوی در دین، نبودن رابطه ابوت و محقون الدم بودن مقتول. اما چنان که گذشت در فروع و جزئیات این شرایط بین این دو مذهب اختلاف وجود دارد. از جمله این اختلافها عبارتند از: امکان اجرای قصاص بر دیوانه که در حالت افاقه مرتکب قتل شده، امکان قصاص قاتل آزاد در برابر قتل برده مسلمان، امکان قصاص قاتل مسلمان در قتل کافر ذمی، امکان استیفای قصاص از مادر و ... که دسته‌ای از این شرایط در هر یک از دو مذهب پذیرفته شده است.

دلیل این اختلاف نیز مبانی فقهی و اصولی است که مورد استفاده هر یک از مذاهب قرار گرفته است. مثلاً مصادری مثل قیاس و استحسان نزد فقهای حنفی مطرح است، ولی در امامیه وجود ندارد. در شمول سنت نیز بین این دو مذهب اختلاف وجود دارد. در نتیجه در آراء فقهی که از این منابع استنباط می‌شوند، نیز اختلاف دیده می‌شود.

۴۲. همان، ج ۴، ص ۴۴۷.

۴۳. الوجیز فی الفقه الاسلامی، ج ۲، ص ۴۴۳.

۳۷. اللعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۲۶۷؛ الوجیز فی الفقه الاسلامی، ج ۲، ص ۴۴۵.

۳۸. حدود، تعزیرات و قصاص، ص ۱۶۱.

۳۹. مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، مسئله ۷۹.

۴۰. الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، ج ۳، ص ۳۳۱؛ تحفة الفقهاء، ج ۳، ص ۱۰۱.

۴۱. الفقه الحنفی و ادلته، ج ۴، ص ۱۶۱.



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، تحقیق: محمد رازی، تعلیق: ابوالحسن شعرانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسيله، قم، دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، بی تا.
۴. خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، قم، مطبعة الآداب، چاپ دوم، ۱۳۹۶ق.
۵. زحیلی، وهبه، الوجیز فی الفقه الاسلامی، دمشق، دارالفکر، ۱۴۲۶ق.
۶. سمرقندی، تحفة الفقهاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۷. شهید اول، المعة دمشقیة، ترجمه علی شیروانی، قم، دارالفکر، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۷ش.
۸. شیخ نظام الدین، الفتاوی الهندیة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۹. صاخرجی، سعید، الفقه الحنفی وادنته، دمشق، دارالکلم الطیب، چاپ پنجم، ۱۴۲۹ق.
۱۰. قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۱۱. گرجی، ابوالقاسم، حدود، تعزیرات و قصاص، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۱۲. مالک بن انس، الموطأ، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۱۳. محمدی، ابوالحسن، حقوق کیفری اسلام (قصاص)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، بی تا.
۱۴. محمود طهماز، عبدالحمید، الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید، دمشق، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۵. مرغینانی، علی بن ابی بکر، الهدایة شرح بدایة المبتدی، قاهره، دارالسلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۱۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۲ش.

